

An Integrated Competency Model for Commanders at the Level of the Islamic Revolution to Effectively Confront Cognitive Threats: A Meta-Synthesis Study

Gholamreza Salmanpour siavoshi ¹

¹ Assistant Professor, Department of Human Resources, Faculty and Research Institute of Humanities, Imam Hossein Guards Military and Training University.
Email: : r.salmanpour01@sndu.ac.ir

Abstract

Background and Purpose: The evolution of security environments and the shift of the battlefield into the cognitive domain have underscored the necessity of redefining commanders' competencies in alignment with the exigencies of cognitive warfare. This study aims to design an integrated competency model for commanders at the level of the Islamic Revolution to effectively confront cognitive threats.

Methodology: This study is applied in purpose and employs a qualitative meta-synthesis approach. Following a systematic search, screening, and quality assessment of domestic and international literature, 30 selected studies were synthesized using thematic analysis via MAXQDA software.

Findings: The analysis resulted in the extraction of an integrated model comprising five main dimensions, 14 organizing themes, and 15 cognitive defense mechanisms. The dimensions of the model encompass cognitive and insight, Jihadi and ideological, knowledge and professional, communicative and social, and command and leadership competencies. The results demonstrated that a commander's effectiveness in cognitive warfare stems from the systematic interaction of these dimensions and their transformation—through cognitive defense mechanisms—into organizational deterrence capacities and cognitive resilience.

Conclusion: The primary innovation of this research lies in presenting an explanatory model that, for the first time, articulates the relationship among cognitive threats, commanders' competencies, cognitive defense mechanisms, and organizational outcomes within a localized framework. This model can serve as a foundational basis for revising the systems of training, evaluation, appointment, and empowerment of commanders in the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran.

Keyword: Cognitive Threats; Commanders' Competencies; Commanders at the Level of the Islamic Revolution; Meta-Synthesis.

الگوی تلفیقی شایستگی‌های فرماندهان تراز انقلاب اسلامی برای مواجهه اثر بخش با تهدیدات شناختی: مطالعه فراترکیب

غلامرضا سلمانپور سیاوشی^۱

چکیده

زمینه و هدف: تحول محیط‌های امنیتی و انتقال میدان نبرد به عرصه شناخت، ضرورت بازتعریف شایستگی‌های فرماندهان را متناسب با الزامات جنگ شناختی آشکار ساخته است. هدف این پژوهش، طراحی الگوی تلفیقی شایستگی‌های فرماندهان در تراز انقلاب اسلامی برای مواجهه اثربخش با تهدیدات شناختی است.

روش‌شناسی: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، کیفی با رویکرد فراترکیب است. پس از جست‌وجوی نظام‌مند، غربالگری و ارزیابی کیفیت مطالعات داخلی و خارجی، ۳۰ منبع منتخب با استفاده از تحلیل مضمون در نرم‌افزار MAXQDA مورد سنتز قرار گرفت.

یافته‌ها: به استخراج الگوی تلفیقی شامل پنج بُعد اصلی، ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۵ سازوکار دفاع شناختی منجر شد. ابعاد الگو شامل شایستگی‌های شناختی و بینشی، جهادی و مکتبی، دانشی و تخصصی، ارتباطی و اجتماعی، و فرماندهی و رهبری است. نتایج نشان داد که کارآمدی فرمانده در جنگ شناختی حاصل تعامل نظام‌مند این ابعاد و تبدیل آن‌ها، از طریق سازوکارهای دفاع شناختی، به ظرفیت‌های بازدارندگی و تاب‌آوری شناختی سازمان است.

نتیجه‌گیری: نوآوری پژوهش، ارائه الگوی تبیینی است که برای نخستین بار رابطه میان تهدیدات شناختی، شایستگی‌های فرمانده، سازوکارهای دفاع شناختی و پیامدهای سازمانی را در قالب یک چارچوب بومی تبیین می‌کند. این الگو می‌تواند مبنایی برای بازنگری در نظام‌های آموزش، ارزیابی، انتصاب و توانمندسازی فرماندهان در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران باشد.

کلیدواژه‌ها: تهدیدات شناختی، شایستگی فرماندهان، فرماندهان تراز انقلاب اسلامی، فراترکیب.

۱۳

سال هفتم

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۴/۳۱

صص: ۲۶۵-۲۳۹

شاپا جایی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



DOR:

۱. استادیار گروه منابع انسانی، دانشکده و پژوهشکده علوم انسانی، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران،

ایران Email: r.salmanpour01@sndu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

تحولات بنیادین محیط امنیتی و نظامی در دهه‌های اخیر، ماهیت جنگ را از تقابل‌های صرفاً فیزیکی به رقابت‌های شناختی، ادراکی و ترکیبی سوق داده است. در این الگوی نوین، هدف اصلی دشمن دیگر تصرف سرزمین یا نابودی تجهیزات نظامی نیست، بلکه تغییر ادراک، باور، قضاوت، تصمیم و رفتار افراد و جوامع از طریق دستکاری اطلاعات، عملیات روانی، روایت‌سازی و نفوذ شناختی است (کلاویری و دیوکلازل، ۲۰۲۲؛ ناتو، ۲۰۲۳). از این‌رو، میدان اصلی نبرد از عرصه جغرافیا به عرصه ذهن انسان منتقل شده و موفقیت در این میدان به توانایی بازیگران در مدیریت ادراک و هدایت فرایندهای شناختی بستگی دارد (دپی و اسپچال، ۲۰۲۴).

در چنین محیطی، نقش فرماندهان نیز دستخوش تحول اساسی شده است. فرمانده امروز صرفاً مدیر عملیات رزمی نیست، بلکه «رهبر شناختی» سازمان محسوب می‌شود که باید توانایی تحلیل روایت‌های متعارض، تصمیم‌گیری در شرایط ابهام و حفظ انسجام شناختی نیروها را دارا باشد (متینگزدال، ۲۰۲۴). بنابراین، الگوهای سنتی فرماندهی که عمدتاً بر مهارت‌های فنی یا کلاسیک تأکید دارند، دیگر پاسخگوی الزامات نوین نبوده و نیازمند بازتعریف هستند.

در ادبیات داخلی، پژوهش‌های ارزشمندی درباره شایستگی فرماندهان تراز انقلاب اسلامی انجام شده است. برای نمونه، اسفندیاری‌صفا و دهقان (۱۳۹۴) و مرادی آیدیشه و همکاران (۱۳۹۸) الگوی فرماندهی مطلوب را مبتنی بر اندیشه فرماندهی کل قوا تبیین کرده‌اند. سلمانی و پورالشریعه (۱۴۰۰) و خانی و همکاران (۱۴۰۲) نیز به بررسی ویژگی‌های جهادی و ارزشی پرداخته‌اند. در مقابل، مطالعات بین‌المللی عمدتاً بر ابعاد سخت‌افزاری و روان‌شناختی جنگ شناختی متمرکز بوده‌اند. پژوهش‌های دپی و اسپچال (۲۰۲۴) و گونزالز-موهینو (۲۰۲۴) جنگ شناختی را رقابتی برای اثرگذاری بر تصمیم‌گیری معرفی کرده و بر نقش رهبری دانش‌محور تأکید نموده‌اند.

با وجود توسعه این دو جریان پژوهشی، مرور نظام‌مند ادبیات نشان می‌دهد که میان آن‌ها شکاف نظری قابل توجهی وجود دارد. مطالعات داخلی عمدتاً به تبیین ویژگی‌های مکتبی و

اعتقادی پرداخته‌اند، در حالی که مطالعات خارجی صرفاً بر سازوکارهای فنی عملیات اطلاعاتی تمرکز دارند. تاکنون پژوهشی به طراحی الگویی پرداخته است که بتواند شایستگی‌های برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی را به صورت هم‌زمان با الزامات نبرد شناختی در قالب یک چارچوب منسجم تلفیق کند.

اهمیت این خلأ زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم فرماندهی در جنگ شناختی، مستلزم تعامل هم‌افزای شایستگی‌های مکتبی با سواد فناورانه است. در واقع، ارزش‌های انقلابی صرفاً ویژگی‌هایی هنجاری نیستند، بلکه مکانیسم‌های دفاعی مؤثری در جنگ شناختی محسوب می‌شوند؛ به عنوان نمونه، «بصیرت» با تقویت قدرت تشخیص، مانع از فریب ادراکی می‌شود؛ «توکل» با ایجاد ثبات روانی، از اضافه بار شناختی در شرایط ابهام جلوگیری می‌کند؛ و «جهاد تبیین» به عنوان یک سلاح ارتباطی، اثرگذاری تحریف روایت توسط دشمن را خنثی می‌سازد.

نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با بهره‌گیری از روش فراترکیب، یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی را به صورت نظام‌مند تلفیق کرده و الگویی بومی از شایستگی‌های فرماندهان تراز انقلاب اسلامی ارائه می‌کند که علاوه بر شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های شایستگی، جایگاه کارکردی و منطق ارتباطی هر یک از این مؤلفه‌ها را در قالب یک چارچوب منسجم تبیین می‌کند. در این چارچوب، ارزش‌های برخاسته از گفتمان انقلاب اسلامی نه به عنوان ویژگی‌هایی صرفاً هنجاری، بلکه به عنوان ظرفیت‌هایی راهبردی برای تقویت تاب‌آوری شناختی، ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری، مدیریت ادراک، خنثی‌سازی عملیات شناختی دشمن و افزایش کارآمدی فرماندهان تحلیل می‌شوند.

بر این اساس، با توجه به ضرورت وجود چارچوبی منسجم برای نظام‌های انتصاب و آموزش، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که: «بر اساس سنتز نظام‌مند ادبیات پژوهش، الگوی تلفیقی شایستگی‌های فرماندهان تراز انقلاب اسلامی برای مواجهه اثربخش با تهدیدات شناختی از چه ابعاد، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌هایی تشکیل شده است؟»

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

برای تبیین منطق ساختاری «الگوی تلفیقی شایستگی‌های فرماندهان در تراز انقلاب اسلامی»، ادبیات نظری حاضر در دو محور کلیدی سازماندهی شده است؛ ابتدا بستر محیطی نبرد شامل «تهدیدات شناختی» و «مفهوم‌شناسی شایستگی‌های بومی و مکتبی» واکاوی شده و در ادامه، سازوکارهای توانمندساز و عملیاتی این الگو شامل «بصیرت راهبردی»، «مدیریت دانش» و «جهاد تبیین» تبیین می‌گردند.

۱. تحول ماهیت تهدیدات: چپستی و ابعاد جنگ شناختی

زیست‌بوم امنیتی و دفاعی در هزاره سوم شاهد گذاری پارادایمیک از جنگ‌های سخت و نرم فیزیکی به سمت تهدیدات پیچیده، ترکیبی و شناختی است (دپی و اسچال، ۲۰۲۴). در حالی که جنگ نرم به دنبال تغییر تدریجی ارزش‌ها و هنجارهاست، «جنگ شناختی» به عنوان پیشرفته‌ترین و مخرب‌ترین لایه تهدید، مستقیماً فرایندهای پردازش اطلاعات، سیستم‌های محاسباتی و الگوریتم‌های مغز انسان را هدف قرار می‌دهد (کلاویری و دیوکلازل، ۲۰۲۲). هدف غایی در این نوع نبرد، «هک کردن دستگاه روان‌شناختی و تفکر فرماندهان» است تا واقعیت‌های میدان را آن‌گونه که دشمن مهندسی کرده است، ادراک و تحلیل کنند (ناتو، ۲۰۲۳). در این فضای غبارآلود، پیروزی دیگر در تصرف جغرافیا یا انهدام تجهیزات معنا نمی‌شود، بلکه در «حفظ استقلال فکری»، «مقاومت در برابر فلج‌شدگی تصمیم‌گیری» و «نباختن در میدان ادراک» تعریف می‌گردد (غفوری و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین، فرماندهان برای مقابله با این تهدیدات که بر پایه دستکاری روان‌شناختی و ایجاد خطاهای ادراکی استوار است، نیازمند شایستگی‌های نوظهوری فراتر از مهارت‌های نظامی کلاسیک هستند (دپی و اسچال، ۲۰۲۴).

۲. شایستگی‌های فرماندهان در تراز انقلاب اسلامی: لنگرگاه کارکردی

در برابر هک شناختی

در ادبیات مدیریت، شایستگی ترکیبی از دانش، مهارت و ویژگی‌های فردی است که عملکرد برتر را تضمین می‌کند؛ اما مفهوم «فرمانده تراز انقلاب اسلامی» فراتر از تعریف استاندارد

و پوزیتیویستی غربی است. در دکترین دفاعی بومی، شایستگی منظومه‌ای درهم تنیده از «تخصص حرفه‌ای» و «تعهد مکتبی» است (آرائی و همکاران، ۱۴۰۲). تمایز و ارزش افزوده این الگو در مواجهه با جنگ شناختی، در مؤلفه‌های پیشران ارزشی نظیر «روحیه انقلابی»، «ایمان راسخ» و «توکل» نهفته است (مرادی آیدیشه و همکاران، ۱۳۹۸). از منظر علوم شناختی، این مفاهیم صرفاً فضایل اخلاقی انتزاعی نیستند، بلکه واجد ارتباط سیستماتیک و نقش کارکردی مستقیم با پایداری ذهنی فرمانده می‌باشند. در شرایط ابهام بالا و تاکتیک‌های فریب ادراکی دشمن که منجر به «سرریز اطلاعاتی» و «اضافه بار شناختی» در مغز فرمانده می‌شود، مؤلفه «توکل» به عنوان یک هیوتیستیک (قاعده سرانگشتی) و لنگرگاه ذهنی قدرتمند عمل کرده، استرس سازمانی را مهار می‌کند و مانع از سوگیری‌های شناختی ناشی از ترس یا شتابزدگی می‌شود. همچنین، مؤلفه «روحیه شهادت طلبی» با تغییر ماتریس سود و زیان مادی به یک معامله معنوی، مکانیسم دفاعی مستحکمی در برابر عملیات روانی و تکنیک‌های تهدید ایجاد کرده و مانع از فلج شدن سیستم تصمیم‌گیری فرمانده در شرایط بحران می‌گردد. در این چارچوب، فرمانده تراز انقلاب تنها یک مدیر عملیات نیست، بلکه یک «رهبر معناپرداز» است که انسجام شناختی نیروها را حفظ می‌کند (اسفندیاری صفا و دهقان، ۱۳۹۴).

۳. جایگاه راهبردی «بصیرت» به عنوان پادزهر فریب ادراکی

شاخص اصلی که ماهیت فرمانده تراز انقلاب را متمایز می‌کند، مؤلفه «بصیرت» است (اسفندیاری صفا و دهقان، ۱۳۹۴). در فضای جنگ شناختی که با تحریف واقعیت و مهندسی روایت‌ها همراه است، بصیرت به عنوان قطب‌نما و فیلتر شناختی عمل می‌کند. مطالعات نظامی تأیید کرده‌اند که در جنگ‌های ناهم‌تراز، شایستگی‌های بینشی (بصیرت و دشمن‌شناسی) اولویت بسیار بالاتری نسبت به مهارت‌های سخت فنی دارند (غفوری و همکاران، ۱۳۹۶). بصیرت در این پژوهش، معادل کارکردی «دانش ضمنی عمیق» در نظریه‌های مدیریت راهبردی است (نوناکا و تاکوچی، ۱۹۹۵). این دانش شهودی و متکی بر جهان‌بینی توحیدی، به فرمانده قدرت «تشخیص الگوهای پنهان فتنه‌ها» و «خنثی‌سازی تکنیک‌های قاب‌بندی دشمن» را می‌دهد. این شایستگی

عمیق ادراکی، فرمانده را قادر می‌سازد تا در شرایط تعارض داده‌ها یا فقدان اطلاعات، دستگاه محاسباتی خود را فعال نگاه داشته و تصمیمی دقیق و راهبردی اتخاذ کند (متینگزدال، ۲۰۲۴).

۴. مدیریت دانش عملیاتی: بستر تلفیق بینش و کنش

تحقق عملیاتی این الگو نیازمند بستری ساختاریافته است؛ از این رو، مدیریت دانش در این پژوهش نه به عنوان یک موضوع منفصل، بلکه به عنوان «رویکردی توانمندساز و تلفیقی» برای تبدیل بصیرت فرماندهان به تاکتیک‌های عملیاتی مورد استناد قرار می‌گیرد. برای اینکه بصیرت (به عنوان دانش ضمنی و درونی) به اقدامی دفاعی در میدان نبرد تبدیل شود، جریان‌سازی دانشی الزامی است (متینگزدال، ۲۰۲۴). مدیریت دانش عملیاتی در این مدل، بر اساس چرخه تصمیم‌گیری سریع (مانند چرخه OODA) به معنای فرآیند خلق، تسهیم و بکارگیری فوری دانش برای حل مسائل غیرخطی جنگ شناختی تلقی می‌شود (نوناکا و تاکوچی، ۱۹۹۵). مهارت‌های دانشی و سواد فناورانه فرمانده، پل ارتباطی میان بصیرت فردی و اقدام منسجم سازمانی هستند (اسدی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ در این میان، مدیریت جهادی و خستگی‌ناپذیری به مثابه موتور محرکی عمل می‌کند که فرآیند تبدیل بینش به کنش خنثی‌کننده را در کوتاه‌ترین زمان ممکن مقدور می‌سازد (سلمانی و پورالشریعه، ۱۴۰۰).

۵. جهاد تبیین: راهبرد عملیاتی مقابله با تحریف روایت‌ها

در برابر ماهیت تحریف‌گر و روایت‌ساز جنگ شناختی، دکنترین دفاعی انقلاب اسلامی پادزهر و راهبرد عملیاتی «جهاد تبیین» را تجویز می‌نماید. در قالب این الگوی تلفیقی، جهاد تبیین صرفاً به معنای سخنوری یا کار روابط عمومی نیست، بلکه یک «کنش شناختی متقابل، آگاهانه و پیش‌دستانه» است که هدفش بازسازی میدان ادراک آسیب‌دیده و خنثی‌سازی ویروس‌های ذهنی تزریق‌شده توسط دشمن است. یافته‌های علمی نشان می‌دهند که جهاد تبیین، نقطه تلاقی شایستگی‌های ارتباطی و بصیرت بینشی فرمانده است. در این نقطه، فرمانده تراز انقلاب باید با تسلط بر ابزارهای هوشمند و قدرت اقناع، به عنوان یک «روایت‌گر اول و معتبر» عمل کند تا بتواند از بروز انحراف و شکست شناختی در بدنه نیروهای مسلح و افکار عمومی جامعه جلوگیری نماید (خانی و همکاران، ۱۴۰۲).

مطالعات انجام شده (پیشینه پژوهش)

واکاوی نظام‌مند مطالعات انجام‌شده در بازه زمانی منابع فارسی (۱۳۹۳-۱۴۰۴) و منابع متأخر بین‌المللی (۲۰۲۲-۲۰۲۴)، نشان‌دهنده وجود سه جریان پژوهشی اصلی اما گسسته در ادبیات موضوع است که ضرورت طراحی یک الگوی تلفیقی را برجسته می‌سازد:

الف) جریان ارزشی-مکتبی (تمرکز بر نرم‌افزار اعتقادی): این دسته از پژوهش‌ها نظیر مطالعات مرادی آیدیشه و همکاران (۱۳۹۸) و خانی و همکاران (۱۴۰۲)، با رویکردی هنجاری بر مؤلفه‌هایی همچون «ولایت‌مداری»، «بصیرت انقلابی» و «ایمان» تأکید داشته‌اند. نقطه قوت این مطالعات، تبیین دقیق مبانی ایدئولوژیک و مکتبی فرماندهی در تراز انقلاب است؛ اما نقد بنیادین وارد بر آن‌ها از منظر علوم شناختی این است که این مفاهیم را صرفاً به‌عنوان فضایل اخلاقی متترع از مقتضیات میدان نبرد بررسی کرده و کمتر به سازوکارهای کارکردی و فنی مورد نیاز برای مقابله با پیچیدگی‌های «جنگ‌های شناختی مدرن» ورود کرده‌اند.

ب) جریان مدیریتی-تخصصی (تمرکز بر سخت‌افزار مهارتی): جریان دوم شامل پژوهش‌هایی است که بر کارایی، تخصص حرفه‌ای و مهارت‌های کلاسیک مدیریت و فرماندهی تمرکز دارند. برای نمونه، آرائی و همکاران (۱۴۰۲) بر شایستگی‌های مهارتی و مدیریتی تأکید ورزیده و خلیلی و همکاران (۱۴۰۱) الگوی شایستگی را در بستر «مدیریت بحران» واکاوی کرده‌اند. همچنین مطالعاتی مانند اسدی و همکاران (۱۴۰۰) مهارت‌های ادراکی و فنی را برای فرماندهان عملیاتی حیاتی برشمرده‌اند. این مطالعات اگرچه در بُعد مهارتی غنی هستند، اما با غفلت از پیشران‌های معنوی و بصیرتی، دچار نوعی تقلیل‌گرایی شده و الگویی صرفاً فنی-پوزیتیویستی ارائه داده‌اند که در برابر تکنیک‌های فریب و ابهام جنگ شناختی آسیب‌پذیر است.

ج) جریان نوین جهانی (تمرکز بر جنگ شناختی و رهبری دانش‌بنیان): منابع متأخر بین‌المللی، ادبیات فرماندهی را به سمت مفاهیم نوظهوری نظیر «تاب‌آوری ادراکی» و مدیریت بحران‌های غیرخطی سوق داده‌اند. پژوهشگرانی نظیر دپی و اسپال (۲۰۲۴) بر لزوم تغییر پارادایم فرماندهی به سمت مقابله با جنگ شناختی و نبرد بر سر الگوریتم‌های ذهنی تأکید دارند. همچنین نقش «رهبری دانش‌محور» در بهبود هماهنگی و نوآوری توسط گونزالز-موهینو (۲۰۲۴) برجسته

شده و متینگزدال (۲۰۲۴) به تحلیل فرآیند تصمیم‌گیری سریع در جنگ‌های ترکیبی پرداخته است. با این حال، این الگوها کاملاً بستر محور بوده و فاقد لنگرگاه‌های ارزشی و مکتبی بومی برای حفظ استقلال ادراکی فرماندهان هستند.

جمع‌بندی و تبیین شکاف تحقیقاتی (منطق درونی تلفیق)

سنتز انتقادی پیشینه نشان می‌دهد که ادبیات موجود دچار نوعی «دوگانگی مفهومی و نگاه جزیره‌ای» است. مطالعات داخلی بر «تعهد مکتبی» بدون توجه به الزامات شناختی تمرکز دارند و مطالعات جهانی «جنگ شناختی» را بدون در نظر گرفتن پیشران‌های معنوی تحلیل می‌کنند. این گسست نظری، مانع از شکل‌گیری یک منطق درونی منسجم شده بود. نوآوری و ارزش‌افزوده پژوهش حاضر در این است که برای نخستین بار با روش فراترکیب، این سه جریان گسسته را در قالب یک «الگوی تلفیقی» یکپارچه می‌کند. در این الگو، منطق ارتباطی و پیوند کارکردی میان ابعاد در قالب یک چارچوب مفهومی منسجم تبیین می‌شود؛ به این معنا که نشان داده می‌شود چگونه ارزش‌های مکتبی (جریان الف) به عنوان سیستم دفاعی و سپر ادراکی مغز فرمانده عمل کرده و مهارت‌های مدیریتی و سواد فناورانه (جریان ب) را در جهت مواجهه مؤثر با تهدیدات شناختی (جریان ج) توانمند می‌سازند.

جدول ۱- جدول تطبیقی تمایزات پژوهش حاضر با مطالعات پیشین

ابعاد تمایز	رویکرد غالب در مطالعات پیشین (جریان‌های سه‌گانه)	رویکرد پژوهش حاضر (نوآوری و ارزش‌افزوده تلفیقی)
کانون تمرکز	نگاه جزیره‌ای و منفک: یا صرفاً بر «ارزش‌های مکتبی» و یا صرفاً بر «مهارت‌های فنی/مدیریتی» تمرکز داشته‌اند.	رویکرد منظومه‌ای و تلفیقی: تلفیق سیستماتیک «بصیرت اعتقادی» با «تخصص حرفه‌ای» و «سواد شناختی» در قالب یک کل واحد و تفکیک‌ناپذیر.
پارادایم تهدید	تهدیدات کلاسیک و فیزیکی: تمرکز بر جنگ سخت، جنگ نرم فرهنگی یا مدیریت بحران‌های فیزیکی بدون توجه به دستکاری الگوریتم‌های ذهنی.	تهدیدات شناختی و هک ذهن: تمرکز بر «جنگ شناختی» و نبرد بر سر ادراک؛ جایی که هدف دشمن تغییر دستگاه محاسباتی فرمانده است.
لنز تئوریک و	توصیفی و فاقد انسجام ساختاری:	تبیین سیستماتیک بر بستر مدیریت دانش: تبیین

ابعاد تمایز	رویکرد غالب در مطالعات پیشین (جریان‌های سه‌گانه)	رویکرد پژوهش حاضر (نوآوری و ارزش‌افزوده تلفیقی)
منطق درونی	لیست‌کردن ویژگی‌ها و فضایل اخلاقی بدون تبیین منطقی و سیستماتیک تبدیل آن‌ها به عمل در میدان نبرد.	جایگاه و نقش کارکردی مؤلفه‌ها (مانند نقش توکل به عنوان لنگرگاه ذهنی و نقش بصورتی به عنوان فیلتر ادراکی در چارچوب مفهومی).
خروجی عملیاتی	توصیه‌های کلی و هنجاری: ارائه لیست‌هایی از فضایل اخلاقی یا مهارت‌های فنی به صورت جداگانه و انتزاعی.	راهبرد پادزهر «جهاد تبیین»: معرفی «جهاد تبیین» و «قدرت اقناع هوشمند» به عنوان خروجی عملیاتی و سلاح شناختی فرمانده.
روش‌شناسی	تک‌بعدی و محدود: استفاده از روش‌های کمی یا کیفی محدود به یک جامعه آماری خاص (مانند یک یگان یا سازمان خاص).	فرا ترکیب (Meta-Synthesis): سنتز و یکپارچه‌سازی روشمند یافته‌های ۳۰ سند علمی معتبر داخلی و خارجی برای ارائه الگویی بومی و جامع.

روش‌شناسی پژوهش^۱

پژوهش حاضر از حیث هدف، «کاربردی-توسعه‌ای» و از منظر پارادایم تحقیق، مبتنی بر رویکرد «کیفی» است. با توجه به پراکندگی و گسست نظری موجود میان مطالعات داخلی (با تمرکز بر ارزش‌های مکتبی) و مطالعات بین‌المللی (با تمرکز بر ابعاد فنی جنگ شناختی)، این پژوهش از راهبرد «فرا ترکیب»^۲ مبتنی بر چارچوب استاندارد سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) بهره برده است. منطق اصلی در انتخاب این روش، دستیابی به یک «سنتز تلفیقی» است تا به‌جای توصیف صرف یافته‌های پیشین، با یکپارچه‌سازی نظام‌مند متون، روابط پنهان میان شایستگی‌های مکتبی و شناختی کشف شده و الگویی جامع برای مواجهه با تهدیدات نوین خلق گردد. برای پیاده‌سازی استانداردهای علمی و تضمین کیفیت، فرایند اجرای پژوهش در محورهای کلیدی زیر سازمان‌دهی و اجرا گردید:

☑ طراحی پروتکل تحقیق و استراتژی جستجو: بر اساس چارچوب استاندارد

1 Methodology
2 Meta-Synthesis

PICO، سؤال اصلی تحقیق برای واکاوی شبکه شایستگی‌های فرماندهان تدوین شد. راهبرد جستجو با تمرکز بر سه محور کانون‌محور شامل «متغیر اصلی»، «جامعه هدف» و «بستر محیطی» و با استفاده از عملگرهای منطقی (AND/OR) پایه‌ریزی گردید.

جدول ۲- راهبرد جستجو و ترکیب کلیدواژه‌های منتخب

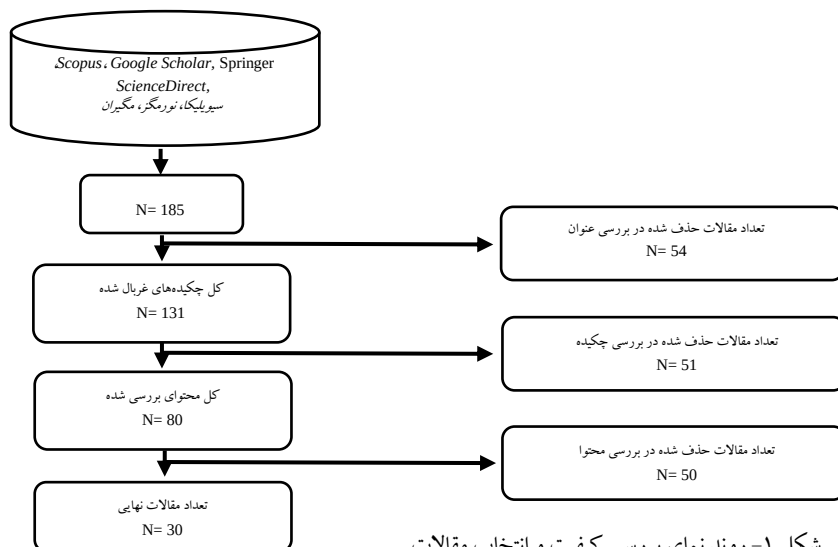
کلیدواژه‌های فارسی جستجو شده	کلیدواژه‌های لاتین جستجو شده	مؤلفه جستجو
الگوی شایستگی، شایستگی‌های راهبردی، مهارت‌های فرماندهی، بصیرت فرماندهان.	Competency Model, Strategic Competencies, Command Skills, Insight.	متغیر اصلی (ماهیت موضوع)
فرماندهان و مدیران عالی، مدیران جهادی، فرماندهان جنگ نرم، مدیران دانشگاهی.	Senior Commanders and Managers, Jihadi Managers, Soft War Commanders, Academic Managers	جامعه هدف (سطح تحلیل)
جنگ شناختی، بصیرت و بینش، مدیریت بحران، تهدیدات نوین، جهاد تبیین.	Cognitive Warfare, Insight and Vision, Crisis Management, Modern Threats, Jihad of Clarification	زمینه و رویکرد (بستر محیطی)

☑ **پایگاه‌های داده و دامنه زمانی پژوهش:** جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های معتبر

داخلی (SID، مگیران، نورمگز و سیویلیکا) برای بازه زمانی ده‌ساله (۱۳۹۳ تا ۱۴۰۴) انجام گرفت. به‌منظور همگامی با پارادایم‌های نوظهور «جنگ شناختی» و «رهبری دانش‌محور»، پایگاه‌های استنادی بین‌المللی (اسکوپس، وب‌آف‌ساینس، ساینس‌دایرکت، اسپرینگر و گوگل‌اسکالر) در بازه زمانی متأخر سه سال اخیر (۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵) مورد پایش قرار گرفتند.

☑ **غربالگری نظام‌مند و ارزیابی کیفیت (PRISMA):** کلیه اسناد یافت‌شده (۱۸۵

سند اولیه) پس از انتقال به نرم‌افزار مدیریت منابع Mendeley، بر اساس پروتکل استاندارد PRISMA طی مراحل سه‌گانه (بررسی عنوان، چکیده و محتوای کامل) غربال شدند. سپس با استفاده از ابزار مهارت‌های ارزیابی حیاتی (CASP)، کیفیت متون باقی‌مانده ارزیابی شد و در نهایت ۳۰ سند (شامل ۲۵ مقاله فارسی و ۵ مقاله لاتین) که بالاترین نمره کیفی را کسب کردند، وارد مرحله تحلیل نهایی شدند.



شکل ۱- روند نمای بررسی کیفیت و انتخاب مقالات

۱. **منطق تحلیل داده‌ها و استخراج الگو:** تجزیه و تحلیل داده‌های مستخرج از متون، با رویکرد استقرایی و روش «تحلیل مضمون» در بستر نرم‌افزار MAXQDA 2024 انجام پذیرفت. این فرایند در سه سطح «کدگذاری باز» (استخراج مفاهیم اولیه)، «کدگذاری محوری» (دسته‌بندی در مقوله‌های فرعی) و «کدگذاری انتخابی» (خلق مضامین فراگیر) پیاده‌سازی شد تا شبکه مضامین و منطق درونی الگو شکل گیرد.

۲. تضمین کیفیت، روایی و پایایی:

✓ **روایی:** به منظور اطمینان از صحت مدل استخراج شده، از روش «بازبینی خبرگان» با مشارکت دو نفر از اساتید برجسته حوزه مدیریت راهبردی و نظامی استفاده شد و نظرات اصلاحی در ساختار مدل اعمال گردید.

✓ **پایایی:** برای سنجش پایایی، از شاخص «توافق درون موضوعی» و فرمول «کاپای کوهن» استفاده شد. بدین منظور، بیش از ۱۰ درصد از حجم نمونه (۴ مقاله) به صورت تصادفی توسط یک کدگذار مستقل مجدداً تحلیل شد. ضریب پایایی محاسبه شده برای ۱۶۵ کد بررسی شده معادل ۰٫۸۵ به دست آمد که نشان‌دهنده

سطح توافق و پایایی «عالی» در فرایند استخراج داده‌هاست.

جدول ۳- نتایج محاسبه پایایی با ضریب توافق

عنوان مقاله منتخب (نمونه)	تعداد کل کدهای شناسایی شده	توافقات (اشتراک)	عدم توافقات	نتیجه پایایی (کاپا)
شایستگی‌های فرماندهان جنگ نرم (خانی و همکاران)	۴۵	۳۸	۷	۰,۸۴
شناسایی مؤلفه‌های الگوی شایستگی مدیران آجا (آرائی و همکاران)	۵۲	۴۴	۸	۰,۸۵
الگوی شایستگی فرماندهان در مدیریت بحران (خلیلی و همکاران)	۳۸	۳۲	۶	۰,۸۶
Knowledge-oriented leadership (González-Mohino)	۳۰	۲۶	۴	۰,۸۷
مجموع کل	۱۶۵	۱۴۰	۲۵	۰,۸۵

یافته های پژوهش^۱

در آخرین گام از فرآیند فراترکیب، یافته‌های حاصل از مراحل کدگذاری در قالب یک ساختار تلفیقی و منسجم یکپارچه شدند. نتایج تحلیل ۳۰ سند منتخب نشان می‌دهد که الگوی شایستگی فرماندهان تراز انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدات شناختی، دارای ماهیتی چندلایه، پویا و کارکردی است؛ به طوری که مؤلفه‌های پیشی، مکتبی و جهادی برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی، صرفاً ارزش‌های توصیفی نبوده، بلکه به عنوان مکانیسم‌های دفاعی، لنگرگاه‌های ذهنی و پادزهر در برابر تاکتیک‌های مهندسی ذهن و هک ادراکی دشمن عمل می‌کنند. بر اساس تحلیل استقرایی، تعداد ۴۸۳ کد اولیه در قالب ۱۴ «مضمون سازمان‌دهنده» و ۵ «مضمون فراگیر» (ابعاد اصلی) دسته‌بندی شدند. جدول شماره (۴) شبکه جامع مضامین استخراج‌شده و منطق درونی کارکرد آن‌ها در مواجهه با تهدیدات شناختی را نمایش می‌دهد.

جدول ۴- شبکه مضامین، کدهای مستخرج و منابع اکتشاف (الگوی جامع نهایی)

مضمون فراگیر (بعد اصلی)	مضمون سازمان‌دهنده (مؤلفه)	کدهای باز منتخب (شاخص‌های کلیدی)	مکانیسم اثرگذاری و رابطه علی با تهدیدات شناختی (منطق درونی)	منابع اکتشاف
تاب‌آوری‌های فرماندهی و رهبری (سطح راهبری)	کاریزمای فرماندهی (نفوذ معنوی)	اقتدار همراه با رأفت، نفوذ کلام، الگوی رفتاری بودن، قابلیت جذب حداکثری.	وحدت‌بخشی شناختی: نفوذ معنوی در قلوب نیروها که باعث هم‌راستایی ادراکی کل سازمان در برابر جنگ روانی و تفرقه‌افکنی دشمن می‌گردد.	قاسمی، محمدی و علی حسینی (۱۴۰۱)، شکوهی و چمنی (۱۴۰۰)، مرادی آیدیشه و همکاران (۱۳۹۸)، احمدیان و همکاران (۱۳۹۹)
	تاب‌آوری و تصمیم‌گیری در بحران	حفظ خونسردی در آشوب، تصمیم‌گیری قاطع در مه جنگ، مدیریت استرس سازمانی.	استمرار فرماندهی: حفظ تسلط، خونسردی و انسجام سازمانی در مه جنگ و آشوب بحران‌های غیرخطی (جلوگیری از فروپاشی سیستم).	خلیلی، صفاری و افشاری (۱۴۰۱)، Deppe & Fagel, Schaal (2024) (2013)، اسفندیاری صفا و دهقان (۱۳۹۴)
	شایسته‌گزینی و کادرسازی	جانشین‌پروری، جوان‌گرایی متخصص، عدالت در ارتقاء، تربیت فرماندهان آینده.	تکثیر الگوی دفاعی: تربیت و جانشین‌پروری فرماندهان آینده برای استمرار و نهادینه‌سازی سیستم دفاع شناختی در بستر زمان.	طاهری و همکاران (۱۳۹۵)، حاجی‌پور و همکاران (۱۳۹۹)، گلشاهی و نوروزیان (۱۴۰۱)، خطیب‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، آرائی و همکاران (۱۳۹۹)
تاب‌آوری و پیش‌بینی (سطح: عملی)	بصیرت سیاسی و دشمن‌شناسی نوین	بصیرت عمیق، جریان‌شناسی نفاق، تشخیص فتنه‌های شناختی، نبرد	فیلتر ادراکی: قدرت تشخیص الگوهای پنهان فتنه‌ها و خنثی سازی تکنیک‌های قاب‌بندی دشمن در فضای غبارآلود.	غفوری و همکاران (۱۳۹۶)، الوانی، اردلان و محمدی (۱۳۹۵)، خانی و همکاران (۱۴۰۲)

مضمون فراگیر (بعد اصلی)	مضمون سازمان‌دهنده (مؤلفه)	کدهای باز منتخب (شاخص‌های کلیدی)	مکانیسم اثرگذاری و رابطه علی با تهدیدات شناختی (منطق درونی)	منابع اکتشاف
		ادراکی، تحلیل محیطی هوشمند.		
	تفکر راهبردی در عدم قطعیت	مدیریت ابهام، سناریوپردازی شناختی، آینده‌نگری، تحلیل SWOT در جنگ ترکیبی.	مدیریت ابهام: حفظ کارایی دستگاه محاسباتی و سناریوپردازی در شرایط تعارض داده‌ها یا فقدان اطلاعات در جنگ ترکیبی.	اسفندیاری صفا و دهقان (۱۳۹۴)، رشیدزاده و جعفری (۱۳۹۹)، عسگری و همکاران (۱۳۹۷)
	هوشمندی اعتقادی (معنوی)	ایمان راسخ، باور به نصرت الهی، تهذیب نفس، توکل در سختی‌ها، جهان‌بینی توحیدی.	لنگرگاه ذهنی: مهار استرس سازمانی و جلوگیری از اضافه‌بار شناختی (هک شدن ذهن) در شرایط ابهام از طریق تکیه بر توکل و نصرت الهی.	آقامحمدی و همکاران (۱۳۹۸)، پورصادق (۱۳۹۸)، پیکرنگار و همکاران (۱۳۹۵)
تفکر راهبردی (سطح کلان)	روحیه انقلابی و ولایت‌مداری	التزام عملی به ولایت، استکبارستیزی، تکلیف‌مداری، عمل انقلابی، آتش‌به اختیار هوشمندانه.	تغییر ماتریس محاسباتی: ایجاد مصونیت روانی در برابر عملیات روانی و تکنیک‌های ارعاب با تکیه بر شهادت‌طلبی، که مانع از فلج شدن تصمیم‌گیری می‌شود.	سلمانی و پورالشریعه (۱۴۰۰)، بابایی و همکاران (۱۳۹۴)، مرادی آیدیشه و همکاران (۱۳۹۸)
	مدیریت جهادی و خستگی ناپذیری	فرهنگ کار بی‌وقفه، بن‌بست‌شکنی، ایثار و شهادت‌طلبی، سرعت عمل در پاسخگویی، ساده‌زیستی.	موتور محرک اقدام: تداوم عملیات، سرعت عمل و بن‌بست‌شکنی در شرایط تحریم و فشار همه‌جانبه، جهت جلوگیری از توقف چرخه‌های عملیاتی.	فرهمندنیا و مختاریان‌پور (۱۳۹۶)، عسگری و همکاران (۱۳۹۷)، احمدیان و همکاران (۱۳۹۹)

مضمون فراگیر (بعد اصلی)	مضمون سازمان‌دهنده (مؤلفه)	کدهای باز منتخب (شاخص‌های کلیدی)	مکانیسم اثرگذاری و رابطه علّی با تهدیدات شناختی (منطق درونی)	منابع اکتشاف
	فضایل اخلاقی فرماندهی	شرح صدر، عدالت‌محوری، امانت‌داری، صداقت با نیروها، تواضع و اخلاص.	سرمایه نفوذ و مشروعیت: ایجاد اقتدار اخلاقی (به‌جای اتکای صرف به قدرت نظامی) که زمینه‌ساز حفظ انسجام شناختی نیروها در برابر شبهه‌افکنی هاست.	آرائی، قاضی و شمامی (۱۴۰۲)، رشیدزاده و جعفری (۱۳۹۹)، پیکرن‌گار و همکاران (۱۳۹۵)، حاجی‌پور و همکاران (۱۳۹۹)
تأسیسات‌های دانشی و تخصصی (سطح ابزار)	سواد جنگ شناختی و ترکیبی	شناخت علوم شناختی، تسلط بر عملیات روانی، آشنایی با جنگ هیبریدی، دانش فنی رزم نوین.	ابزارسازی تقابلی: شناخت تکنیک‌های مهندسی ذهن توسط دشمن و توانایی طراحی پاتک‌های شناختی و عملیات روانی متقابل.	لطفی جلال‌آبادی و همکاران (۱۳۹۹)، گلشاهی و نوروزیان (۱۴۰۱)، اسدی و همکاران (۱۴۰۰)
	سواد فناورانه و دیجیتال	استفاده از هوش مصنوعی، تحلیل کلان‌داده‌ها، امنیت سایبری، فناوری های نرم.	برتری اطلاعاتی: بهره‌گیری از هوش مصنوعی، فناوری‌های نرم و تحلیل کلان‌داده‌ها برای رصد سریع و پیش‌بینی تحركات ادراکی دشمن.	احمدیان و همکاران Mattingdsal، (۱۳۹۹) Clavierie & du، (2024) Cluzel (2022)
	مدیریت دانش عملیاتی (OODA)	مستندسازی تجارب نبرد، تسهیم دانش فوری، یادگیری سازمانی، تبدیل سریع داده به تصمیم.	تسهیل تصمیم سریع: تسریع فرآیند تبدیل بینش و دانش ضمنی به تاکتیک‌های عملیاتی جهت اخذ تصمیم قاطع در محیط غیرخطی نبرد.	González-Mohíno Mattingdsal، (2024) (2024)، عسگری و همکاران (۱۳۹۷)

مضمون فراگیر (بعد اصلی)	مضمون سازمان‌دهنده (مؤلفه)	کدهای باز منتخب (شاخص‌های کلیدی)	مکانیسم اثرگذاری و رابطه علی با تهدیدات شناختی (منطق درونی)	منابع اکتشاف
توانایی‌های ارتباطی و اجتماعی (نظم تعاملی)	مهارت‌های «جهاد تبیین»	قدرت اقناع‌سازی، روایت‌گری اول، فن بیان و سخنوری، روشنگری در برابر تحریف.	سلاح شناختی (پادزهر تحریف): کنش پیش‌دستانه برای بازسازی میدان ادراک آسیب‌دیده، ایفای نقش روایت‌گر اول و خنثی‌سازی ویروس‌های ذهنی تزریق‌شده.	خانی، احمدی و محمدی (۱۴۰۲)، خلیلی، صفاری و افشاری (۱۴۰۱)، اسفندیاری صفا و دهقان (۱۳۹۴)
	سرمایه اجتماعی و مردم‌داری	ارتباط عاطفی با مردم، اعتمادسازی عمومی، هوش اجتماعی، محبوبیت قلبی (نفوذ در دل‌ها).	تاب‌آوری مدنی: ایجاد سد نفوذناپذیر از اعتماد عمومی که مانع از موفقیت دشمن در ایجاد گسست ادراکی میان حاکمیت و مردم می‌شود.	اسدی، رجیبی‌فرجاد و لطفی (۱۴۰۰)، پیکرنگار و همکاران (۱۳۹۵)، الوانی، اردلان و محمدی (۱۳۹۵)

شکل ۲- الگوی تلفیقی شایستگی‌های فرماندهان تراز انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدات شناختی



بحث و تفسیر یافته‌ها^۱

هدف این پژوهش، طراحی و تبیین الگوی تلفیقی شایستگی‌های فرماندهان تراز انقلاب اسلامی برای مواجهه اثربخش با تهدیدات جنگ شناختی بود. یافته‌های حاصل از فراترکیب ۳۰ مطالعه منتخب نشان داد که شایستگی فرماندهی در محیط جنگ شناختی را نمی‌توان به مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی یا مهارت‌های مدیریتی تقلیل داد؛ بلکه این شایستگی‌ها در قالب یک نظام چندلایه، پویا و تعاملی عمل می‌کنند که از تعامل پنج دسته شایستگی اصلی، پانزده سازوکار دفاع شناختی و شش پیامد سازمانی تشکیل شده است. بنابراین، نوآوری نظری پژوهش حاضر صرفاً در شناسایی ابعاد شایستگی نیست، بلکه در تبیین منطق درونی و روابط کارکردی میان شایستگی‌ها، سازوکارهای دفاع شناختی و پیامدهای حاصل از آن‌ها در مواجهه با جنگ شناختی است.

بر اساس الگوی پیشنهادی، تهدیدهای جنگ شناختی نظیر تحریف روایت، شبهه‌افکنی، ابهام اطلاعاتی، عملیات روانی و مهندسی ادراک، مستقیماً دستگاه شناختی فرمانده و سازمان را هدف قرار می‌دهند. در چنین شرایطی، پنج دسته شایستگی شناسایی شده به صورت مستقل عمل نمی‌کنند، بلکه هر یک با فعال‌سازی مجموعه‌ای از سازوکارهای دفاع شناختی، بخشی از ظرفیت دفاعی سازمان را ایجاد می‌کنند و در نهایت، تعامل این سازوکارها به شکل‌گیری پیامدهایی نظیر تاب‌آوری شناختی، انسجام سازمانی، برتری اطلاعاتی، پویایی فرماندهی و نهادینه‌شدن الگوی فرماندهی تراز انقلاب اسلامی منجر می‌شود. از این منظر، منطق حاکم بر الگوی حاضر، منطق «تلفیق کارکردی» است؛ بدین معنا که هیچ‌یک از ابعاد شایستگی به تنهایی ضامن موفقیت فرمانده نیست و اثربخشی واقعی زمانی حاصل می‌شود که همه ابعاد در قالب یک سامانه منسجم و مکمل عمل کنند. در ادامه، یافته‌ها بر اساس منطق ساختاری مدل مورد بحث قرار می‌گیرند:

(۱) شایستگی‌های شناختی و بینشی؛ نخستین لایه دفاع شناختی

یافته‌های پژوهش نشان داد که نخستین و بنیادی‌ترین لایه این سامانه دفاعی، شایستگی‌های شناختی و بینشی است. این بعد شامل مؤلفه‌های «بصیرت و دشمن‌شناسی نوین»، «تفکر راهبردی

در شرایط عدم قطعیت و «هوشمندی اعتقادی» است که نقش آن‌ها فراتر از ایجاد یک نگرش ارزشی بوده و مستقیماً در حفظ سلامت نظام شناختی فرمانده اثرگذار است. در منطق الگوی حاضر، این شایستگی‌ها سه سازوکار «فیلتر ادراکی»، «مدیریت ابهام» و «لنگرگاه ذهنی» را فعال می‌کنند. فیلتر ادراکی موجب تشخیص الگوهای پنهان عملیات شناختی دشمن و جلوگیری از پذیرش روایت‌های تحریف‌شده می‌شود؛ مدیریت ابهام توانایی حفظ کیفیت تصمیم‌گیری در شرایط تعارض داده‌ها و نبود اطلاعات کامل را فراهم می‌آورد و لنگرگاه ذهنی با اتکا به ایمان، توکل و ثبات اعتقادی، از اضافه‌بار شناختی و آشفتگی ذهنی فرمانده جلوگیری می‌کند. بنابراین، بصیرت در این پژوهش صرفاً یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه یک ظرفیت شناختی برای حفظ کارایی نظام تصمیم‌گیری در میدان نبرد محسوب می‌شود.

این تبیین با یافته‌های غفوری و همکاران (۱۳۹۶) درباره نقش محوری بصیرت در جنگ‌های نامتقارن همسو است و با دیدگاه کلاویری و دوکلوزل (۲۰۲۲) مبنی بر اینکه جنگ‌های آینده نبرد بر سر ادراک انسان هستند، همخوانی دارد. باین حال، تفاوت اساسی الگوی حاضر با اغلب مدل‌های غربی در آن است که مدیریت شناختی را صرفاً مبتنی بر تحلیل اطلاعات نمی‌داند، بلکه تعامل میان بصیرت، تفکر راهبردی و هوشمندی اعتقادی را عامل اصلی تاب‌آوری شناختی فرمانده معرفی می‌کند.

۲) شایستگی‌های جهادی و مکتبی؛ پیشران پایداری در برابر فشار شناختی

دومین لایه الگو را شایستگی‌های جهادی و مکتبی تشکیل می‌دهد که شامل روحیه انقلابی، مدیریت جهادی و فضایل اخلاقی است. یافته‌ها نشان داد که این مؤلفه‌ها صرفاً ارزش‌های هنجاری نیستند، بلکه دارای کارکردهای مشخص شناختی و عملیاتی‌اند. روحیه انقلابی و فرهنگ شهادت‌طلبی با تغییر دستگاه محاسباتی سود و زیان، اثر عملیات ارعاب و تهدید را کاهش داده و مانع فلج‌شدن تصمیم‌گیری می‌شود. مدیریت جهادی از طریق ایجاد موتور محرک اقدام، استمرار عملیات و جلوگیری از توقف چرخه‌های عملیاتی را در شرایط فشار و تحریم تضمین می‌کند و

فضایل اخلاقی نیز با ایجاد سرمایه نفوذ و مشروعیت، اعتماد و انسجام شناختی نیروها را تقویت کرده و زمینه اثرگذاری عملیات روانی دشمن را کاهش می‌دهد. در نتیجه، کارکرد این بعد تنها افزایش انگیزش فردی نیست، بلکه افزایش تاب‌آوری شناختی سازمان در برابر جنگ روانی است. این یافته با نتایج فرهنگ‌دینا و مختاریان‌پور (۱۳۹۶) درباره نقش مدیریت جهادی در شرایط بحران همسو است، اما پژوهش حاضر برای نخستین بار سازوکارهای شناختی اثرگذاری این مؤلفه‌ها را نیز تبیین می‌کند.

۳) شایستگی‌های دانشی و تخصصی؛ تولید برتری اطلاعاتی

یافته‌ها نشان داد که در محیط جنگ شناختی، تخصص فرمانده دیگر به دانش نظامی کلاسیک محدود نیست، بلکه شامل سواد جنگ شناختی، سواد فناورانه و مدیریت دانش عملیاتی است. این سه مؤلفه به ترتیب سه سازوکار «ابزارسازی تقابلی»، «برتری اطلاعاتی» و «تسهیل تصمیم سریع» را فعال می‌کنند. ابزارسازی تقابلی امکان طراحی اقدامات متقابل در برابر عملیات شناختی دشمن را فراهم می‌کند؛ برتری اطلاعاتی از طریق بهره‌گیری از هوش مصنوعی، تحلیل کلان‌داده‌ها و فناوری‌های نوین، توان پیش‌بینی و رصد تهدیدها را افزایش می‌دهد و تسهیل تصمیم سریع موجب کاهش فاصله زمانی میان شناخت تهدید و اقدام عملیاتی می‌شود. این یافته با مطالعات متینگزدال و همکاران (۲۰۲۴) درباره اهمیت سرعت تبدیل اطلاعات به تصمیم و نیز پژوهش گونزالز-موهینو و همکاران (۲۰۲۴) درباره رهبری دانش‌محور همسو است، اما الگوی حاضر با ادغام دانش، فناوری و علوم شناختی، تصویری جامع‌تر از فرمانده آینده ارائه می‌کند.

۴) شایستگی‌های ارتباطی و اجتماعی؛ بازوی تعامل و مدیریت ادراک

چهارمین لایه الگو به شایستگی‌های ارتباطی و اجتماعی اختصاص دارد که از دو مؤلفه «جهاد تبیین» و «سرمایه اجتماعی و مردم‌داری» تشکیل شده است. یافته‌ها نشان داد که این مؤلفه‌ها دو سازوکار مکمل «سلاح شناختی (پادزهر تحریف)» و «تاب‌آوری مدنی» را فعال می‌کنند. جهاد تبیین موجب بازسازی روایت صحیح، خنثی‌سازی عملیات رسانه‌ای دشمن و جلوگیری از گسترش

شبهه‌ها می‌شود و سرمایه اجتماعی با تقویت اعتماد عمومی، مانع شکل‌گیری شکاف ادراکی میان فرمانده، نیروها و جامعه می‌شود.

از این رو، ارتباطات در این الگو صرفاً ابزاری برای انتقال پیام نیست، بلکه بخشی از ظرفیت بازدارندگی شناختی سازمان به‌شمار می‌رود. این نتیجه با یافته‌های خانی و همکاران (۱۴۰۲) و اسدی و همکاران (۱۴۰۰) همسو است، اما پژوهش حاضر نخستین مدلی است که این دو مؤلفه را در قالب سازوکارهای دفاع شناختی تبیین می‌کند.

۵) شایستگی‌های فرماندهی و رهبری؛ نقطه همگرایی سامانه دفاع شناختی

یافته‌ها نشان داد که شایستگی‌های فرماندهی و رهبری در رأس الگو قرار دارند و محصول هم‌افزایی چهار بعد پیشین هستند. مؤلفه‌های کاریزمای فرماندهی، تاب‌آوری و تصمیم‌گیری در بحران و شایسته‌گزینی، سه سازوکار «وحدت بخشی شناختی»، «استمرار فرماندهی» و «تکثیر الگوی دفاعی» را فعال می‌کنند. این سازوکارها موجب حفظ انسجام سازمان در بحران، جلوگیری از فروپاشی سیستم فرماندهی و انتقال تجربه و الگوی فرماندهی به نسل‌های آینده می‌شوند. این یافته با نتایج قاسمی و همکاران (۱۴۰۱)، آرائی و همکاران (۱۴۰۲) و فاگل (۲۰۱۳) همسو است، اما تفاوت اصلی الگوی حاضر در آن است که رهبری را نقطه آغاز نمی‌داند، بلکه آن را محصول بلوغ و هم‌افزایی سایر شایستگی‌ها معرفی می‌کند.

جمع‌بندی بحث: در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کارآمدی فرمانده در جنگ شناختی حاصل وجود یک یا چند شایستگی منفرد نیست، بلکه نتیجه تعامل نظام‌مند پنج دسته شایستگی است که از طریق پانزده سازوکار دفاع شناختی، تهدیدهای شناختی را به ظرفیت‌های بازدارندگی سازمانی تبدیل می‌کنند. از این منظر، الگوی پیشنهادی از سطح یک «مدل شایستگی» فراتر رفته و به یک «مدل تبیینی دفاع شناختی» ارتقا یافته است که برای نخستین بار، رابطه نظام‌مند میان تهدیدهای شناختی، شایستگی‌های فرمانده، سازوکارهای دفاع شناختی و پیامدهای سازمانی را در قالب یک چارچوب تلفیقی تبیین می‌کند. بدین ترتیب، نوآوری اصلی پژوهش حاضر صرفاً در شناسایی ابعاد شایستگی نیست، بلکه در تبیین منطق اثرگذاری و تعامل این

ابعاد در ایجاد ظرفیت دفاع شناختی نهفته است؛ موضوعی که می‌تواند مبنای توسعه نظری پژوهش‌های آینده و بازطراحی نظام‌های آموزش، ارزیابی، انتصاب و توانمندسازی فرماندهان در عصر جنگ شناختی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری نهایی^۱

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی تلفیقی شایستگی‌های فرماندهان در تراز انقلاب اسلامی برای مواجهه اثربخش با تهدیدات شناختی و با بهره‌گیری از روش فراترکیب انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که تحول ماهیت جنگ از عرصه‌های فیزیکی به محیط‌های شناختی، ضرورت بازنگری در مفهوم شایستگی فرماندهی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. در چنین محیطی، کارآمدی فرمانده دیگر صرفاً به توانمندی‌های نظامی یا مدیریتی وابسته نیست، بلکه حاصل تعامل مجموعه‌ای از شایستگی‌های شناختی، ارزشی، دانشی، ارتباطی و رهبری است که به‌صورت یک سامانه منسجم عمل می‌کنند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که الگوی پیشنهادی از پنج بُعد اصلی، چهارده مضمون سازمان‌دهنده، پانزده سازوکار دفاع شناختی و شش پیامد کلیدی تشکیل شده است. ویژگی متمایز این الگو آن است که میان تهدیدهای جنگ شناختی، شایستگی‌های فرمانده، سازوکارهای دفاع شناختی و پیامدهای سازمانی رابطه‌ای نظام‌مند و کارکردی برقرار می‌کند. از این‌رو، شایستگی‌های فرماندهی در این پژوهش نه به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های مستقل، بلکه به‌عنوان اجزای یک منظومه دفاع شناختی تبیین شده‌اند که در تعامل مستمر با یکدیگر، ظرفیت مقابله مؤثر با عملیات شناختی را ایجاد می‌کنند.

از منظر نظری، مهم‌ترین دستاورد پژوهش حاضر، ارائه چارچوبی تلفیقی برای پیوند دادن دو جریان نسبتاً مستقل در ادبیات پژوهش است؛ از یک‌سو، مطالعات داخلی که عمدتاً بر ارزش‌ها و شایستگی‌های فرماندهان در تراز انقلاب اسلامی تأکید داشته‌اند و از سوی دیگر، مطالعات بین‌المللی که جنگ شناختی را از منظر علوم شناختی، روان‌شناسی نظامی و فناوری‌های نوین بررسی کرده‌اند. الگوی ارائه‌شده نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ارزشی و هویتی، زمانی می‌توانند به

مزیت راهبردی تبدیل شوند که در تعامل با شایستگی‌های شناختی، دانشی، ارتباطی و فرماندهی قرار گیرند و از طریق سازوکارهای مشخص، به ارتقای تاب‌آوری شناختی، انسجام سازمانی، برتری اطلاعاتی و پویایی فرماندهی منجر شوند.

بر این اساس، پژوهش حاضر مفهوم شایستگی فرماندهی را از سطح یک طبقه‌بندی توصیفی فراتر برده و آن را در قالب یک مدل تبیینی بازتعریف می‌کند که روابط میان تهدیدهای شناختی، شایستگی‌های فرمانده، سازوکارهای اثرگذاری و پیامدهای حاصل از آن را به صورت یکپارچه نشان می‌دهد. این الگو می‌تواند مبنای توسعه نظری پژوهش‌های آتی در حوزه فرماندهی، جنگ شناختی و علوم شناختی دفاعی قرار گیرد و زمینه را برای طراحی و اعتبارسنجی مدل‌های بومی در سایر حوزه‌های امنیتی و مدیریتی نیز فراهم سازد.

• پیشنهادات کاربردی^۱

با توجه به یافته‌های پژوهش و الگوی تلفیقی شایستگی‌های فرماندهان در تراز انقلاب اسلامی، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

۱) بازطراحی نظام آموزش فرماندهان بر اساس پنج بُعد شایستگی شناسایی شده، به گونه‌ای که توسعه شایستگی‌های شناختی، جهادی، دانشی، ارتباطی و فرماندهی به صورت یکپارچه و منظومه‌ای دنبال شود.

۲) طراحی و اجرای سناریوهای آموزشی مبتنی بر جنگ شناختی شامل تحریف روایت، عملیات روانی، بمباران اطلاعاتی و شرایط ابهام ادراکی، به منظور تقویت توانایی فرماندهان در مدیریت تهدیدات شناختی.

۳) نهادینه‌سازی آموزش سواد جنگ شناختی، سواد فناورانه و مدیریت دانش در برنامه‌های آموزشی فرماندهان، با تأکید بر بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، هوش مصنوعی و تحلیل داده‌ها در تصمیم‌گیری‌های عملیاتی.

۴) استقرار نظام مدیریت دانش عملیاتی برای ثبت، مستندسازی، اشتراک و انتقال تجربیات فرماندهان، به منظور تبدیل دانش ضمنی به سرمایه دانشی سازمان و ارتقای یادگیری سازمانی.

1 Practical Implications

نشریات علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام)

- (۵) گنجاندن مهارت‌های جهاد تبیین، روایت‌سازی راهبردی، مدیریت افکار عمومی و سرمایه اجتماعی در برنامه‌های تربیت و توانمندسازی فرماندهان، به‌منظور تقویت قدرت اقناع و کاهش اثربخشی عملیات شناختی دشمن.
- (۶) بازنگری در نظام ارزیابی و ارتقای فرماندهان و افزودن شاخص‌هایی نظیر بصیرت، مدیریت ابهام، تاب‌آوری شناختی، سواد جنگ شناختی، رهبری دانش‌محور و توان هدایت شناختی سازمان در کنار شاخص‌های عملکردی متداول.
- (۷) استفاده از الگوی پیشنهادی پژوهش به‌عنوان چارچوب نظری در طراحی برنامه‌های آموزشی، ارزیابی، جانشین‌پروری و توسعه شایستگی فرماندهان در نیروهای مسلح.

• پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی^۱

- با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده در محورهای زیر انجام شوند:
- (۱) اعتبارسنجی تجربی الگوی ارائه‌شده در سازمان‌های نظامی و دفاعی با استفاده از روش‌های کمی، آمیخته یا مدل‌سازی معادلات ساختاری.
- (۲) طراحی و اعتباریابی ابزار استاندارد سنجش شایستگی‌های فرماندهان بر اساس ابعاد، مؤلفه‌ها و سازوکارهای دفاع شناختی استخراج‌شده در این پژوهش.
- (۳) بررسی روابط علی میان ابعاد شایستگی، سازوکارهای دفاع شناختی و پیامدهای الگو با استفاده از روش‌های مدل‌سازی علی و تحلیل مسیر.
- (۴) اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های شایستگی فرماندهان با بهره‌گیری از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره مانند BWM، DANP یا ISM.
- (۵) بررسی کارآمدی الگوی پیشنهادی در سناریوهای شبیه‌سازی‌شده جنگ شناختی و ارزیابی میزان تأثیر هر یک از ابعاد شایستگی بر کیفیت تصمیم‌گیری فرماندهان.
- (۶) انجام مطالعات تطبیقی میان الگوی شایستگی فرماندهان در تراز انقلاب اسلامی و الگوهای مورد استفاده در سایر نیروهای مسلح یا سازمان‌های امنیتی کشورهای مختلف.
- (۷) بررسی قابلیت کاربرد الگوی پیشنهادی در سازمان‌های غیرنظامی که با تهدیدات شناختی، عملیات رسانه‌ای و جنگ روایت‌ها مواجه هستند.

۸) مطالعه نقش فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، کلان‌داده و سامانه‌های پشتیبان تصمیم در توسعه شایستگی‌های فرماندهان برای مواجهه با جنگ شناختی.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر همانند سایر مطالعات مبتنی بر فراترکیب، با محدودیت‌هایی همراه بوده است. **نخست** آنکه یافته‌ها بر پایه تحلیل و سنتز مطالعات منتشرشده استخراج شده‌اند و امکان بهره‌گیری مستقیم از تجربه‌های عملی فرماندهان در محیط‌های واقعی جنگ شناختی وجود نداشته است. از این رو، برخی سازوکارهای پیشنهادی نیازمند آزمون میدانی و تجربی هستند.

دوم، تنوع مفهومی موجود در ادبیات درباره مفاهیمی همچون جنگ شناختی، شایستگی فرماندهی و بصیرت، فرایند کدگذاری و تلفیق یافته‌ها را با چالش‌هایی همراه ساخته است. اگرچه با بهره‌گیری از مراحل نظام‌مند فراترکیب تلاش شد این مسئله کنترل شود، اما تفاوت در رویکردها و تعاریف مطالعات اولیه می‌تواند بر نحوه تفسیر برخی مؤلفه‌ها اثرگذار باشد.

سوم، روابط میان ابعاد شایستگی، سازوکارهای دفاع شناختی و پیامدهای الگو در این پژوهش بر پایه استنباط نظری از ادبیات موجود تبیین شده است و هنوز از طریق داده‌های تجربی مورد آزمون قرار نگرفته‌اند. بنابراین، اعتبارسنجی این روابط در پژوهش‌های آینده می‌تواند به تقویت قدرت تبیینی و قابلیت تعمیم الگو کمک کند.

در نهایت، الگوی پیشنهادی در بستر مفهومی و ارزشی انقلاب اسلامی و با تأکید بر الزامات سازمان‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است؛ از این رو، تعمیم مستقیم آن به سایر بافت‌های فرهنگی، سیاسی و سازمانی مستلزم انجام مطالعات تطبیقی و اعتبارسنجی مستقل خواهد بود.

سپاسگزاری

نویسنده در مراحل ویرایش زبانی، بازبینی ساختار نگارشی و بهبود انسجام متن از ابزارهای هوش مصنوعی مولد استفاده کرده است. تمامی تحلیل‌های علمی، انتخاب منابع، استخراج داده‌ها،

تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری توسط نویسنده انجام شده و مسئولیت کامل محتوای مقاله بر عهده نویسنده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اسدی، اسماعیل؛ رجبی فرجاد، حاجیه و لطفی جلال‌آبادی، مصطفی (۱۴۰۰). شناسایی مهارت‌های مدیریتی فرماندهان رده عملیاتی به روش داده‌بنیاد. فصلنامه علوم و فنون نظامی، ۱۷(۵۸)، ۷۷-۱۰۸.
- اسفندیاری‌صفا، خسرو و دهقان، حبیب‌الله (۱۳۹۴). الگوی فرماندهی مطلوب از منظر فرمانده کل قوا حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). فصلنامه مدیریت نظامی، ۱۵(۵۹)، ۸۷-۱۰۵.
- آرائی، محمود؛ قاضی، حسن؛ و شمامی، نادر (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌های الگوی شایستگی‌های مدیران آجا: مطالعه فراترکیب. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۱۳(۱)، ۱۶۹-۲۰۷.
- خانی، علی؛ احمدی، محمود و محمدی، مهدی (۱۴۰۲). شایستگی‌های فرماندهان جنگ نرم در جهاد تبیین. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۳۱(۴)، ۷۹-۱۰۹.
- لطفی جلال‌آبادی، مصطفی؛ خیراندیش، مهدی؛ نادری، احسان و فرهادی، علی (۱۳۹۹). الگوی شایستگی فرماندهان جنگ‌های دریایی آینده، <https://civilica.com/doc/1130721>
- خلیلی، یاسمن؛ صفاری، حمیدرضا و افشاری، حمیدرضا (۱۴۰۱). الگوی شایستگی فرماندهان و مدیران در مدیریت بحران. فصلنامه مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی، ۵(۱۶)، ۱۶۹-۱۹۰.
- سلمانی، عباسعلی و پورالشریعه، علیرضا (۱۴۰۰). شایستگی‌های فرماندهان مراکز آموزش عالی نیروهای مسلح. فصلنامه علمی نظارت و بازرسی ناجا، ۱۵(۵۵)، ۱۳-۴۶.
- طاهری، صادق؛ دلاور، علی؛ فرخی، نورعلی؛ عباس‌پور، عباس و برجعلی، احمد (۱۳۹۵). تدوین مدل ساختاری جهت ارتقاء و انتصاب کارکنان به سطح مدیریتی پایه (مورد مطالعه: شرکت ملی نفت ایران). فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت، ۸(۳۰)، ۳-۲۶.
- غفوری، داود؛ حسینی‌پور، طهمورث؛ خیراندیش، مهدی و مؤمنی، منصور (۱۳۹۶). الگوی عملیاتی سنجش شایستگی فرماندهان راهبردی در راستای ارتقاء توان رزمی با رویکرد جنگ‌های ناهم‌تراز. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۷(۲۹)، ۵۳-۷۴.

مرادی آیدیشه، شعبان؛ خیراندیش، مهدی؛ حسنگلی پور یاسوری، طهمورث و سیدجوادین، سیدرضا (۱۳۹۸).
الگوی شایستگی فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه فرماندهی معظم کل قوا. فصلنامه
علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۹(۳۵)، ۲۳۹-۲۶۴.

ب) منابع لاتین

- Claverie, B., & du Cluzel, F. (2022). Cognitive warfare: Conceptual overview. NATO Allied Command Transformation – Innovation Hub.
- Deppe, C., & Schaal, G. S. (2024). Cognitive warfare: a conceptual analysis of the NATO ACT cognitive warfare exploratory concept. *Frontiers in Big Data*, 7, 1452129.
- Fagel, M. J. (2013). *Crisis management and emergency planning: preparing for today's challenges*. CRC Press.
- González-Mohino, M., Donate, M. J., Guadamillas, F., & Cabeza-Ramírez, L. J. (2024). Knowledge-oriented leadership for improved coordination as a solution to relationship conflict: effects on innovation capabilities. *Knowledge Management Research & Practice*, 22(4), 388–403. <https://doi.org/10.1080/14778238.2024.2306338>
- Mattingsdal, J., Espevik, R., Johnsen, B. H., & Hystad, S. (2024). Exploring why police and military commanders do what they do: An empirical analysis of decision-making in hybrid warfare. *Armed Forces & Society*, 50(4), 1218-1244.
- NATO Allied Command Transformation. (2023). Cognitive warfare. <https://www.act.nato.int/activities/cognitive-warfare>
- Nonaka, I., & Takeuchi, H. (1995). *The knowledge-creating company: How Japanese companies create the dynamics of innovation*. Oxford University Press.

